

Forgiveness Teaching on Happiness and Attitude to the Life of Parentless or Poorly Parented Adolescent

*Hashemi Shekofteh SH¹, Varde Zayekandi SH², Sofi SH³, Siavash B⁴

Author Address

1. MA, Department of Educational Psychology, Islamic Azad University, Garmsar, Iran;
2. MA, Department of counseling and guidance, Tehran University of Tehran, Tehran, Iran;
3. MA, Department of Clinical Psychology, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran;
4. MSc, Department of Clinical Psychology, Islamic Azad University, Garmsar, Iran.

*Corresponding Author E-mail: shekofta1990@gmail.com

Received: 2019 April 11; Accepted: 2019 May 10

Abstract

Background & Objective: Lack of attention to the life and happiness of adolescents, especially adolescent and adolescent teenagers, leads to mental disorders during their lifetime. Therefore, the present study was conducted with the aim of teaching forgiveness on happiness and attitude towards the life of unprotected and inferior adolescents.

Methods: This is a semi-experimental pre-test, post-test with control group. The statistical population of the study included all malaria males in the second half of 2019, and 30 were selected through convenience sampling and were randomly assigned to two groups of experimental and control groups. In the pretest phase, the Oxford Happiness Questionnaire (Hill and Argyll, 2002) and attitudes toward the life of Batista and Almond (1998) were applied to all subjects and then bonus training was done on the experimental group; after the forgiveness training, the same questionnaire was performed in both groups. Data were analyzed by SPSS software version 21 and single variable and multivariate analysis of covariance analysis. And a significant level of 0.01 was considered.

Results: The results showed that there was a significant difference between the two experimental and control groups (in happiness score and attitude toward life). Thus, the use of forgiveness training increased the amount of happiness. Also, the experimental group had a better attitude toward life than the control group ($p < 0.001$).

Conclusion: Based on the findings of this research, forgiveness education can be used to promote happiness and attitude towards the lives of unprotected and inferior adolescents.

Keywords: Forgiveness, Happiness, Attitude towards Life, Parentless or Poorly Parented Adolescent.

اثربخشی آموزش بخشودگی بر شادکامی و نگرش به زندگی نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست

*شقایق هاشمی شکفته^۱، شامیران ورده زایه کندی^۲، شایسته صوفی^۳، بهاره سیاوش^۴

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران؛

۲. کارشناسی ارشد، گروه راهنمایی و مشاوره، دانشگاه آزاد تهران غرب، تهران، ایران؛

۳. کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران؛

۴. کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

*اربابانامه نویسنده مسئول: shekofa1990@gmail.com

تاریخ دریافت: ۲۲ فروردین ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: فقدان توجه نگرش به زندگی و شادکامی نوجوانان، به‌ویژه نوجوان بی‌سرپرست یا بدسرپرست منجر به ایجاد اختلالات روانی در دوران زندگی می‌شود؛ از این رو مطالعه حاضر با هدف اثربخشی آموزش بخشودگی بر شادکامی و نگرش به زندگی نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست انجام شد.

روش بررسی: پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری را تمامی دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست شهر ملارد در شش ماه دوم سال ۱۳۹۷ تشکیل دادند. از این جامعه تعداد ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده و به صورت تصادفی ساده در دو گروه آزمایش و گواه قرار گرفتند. در مرحله پیش‌آزمون، پرسشنامه شادکامی آکسفورد (هیل و آرگایل، ۲۰۰۲) و نگرش به زندگی باتیستا و آلموند (۱۹۹۸) روی همه آزمودنی‌ها اجرا شد. سپس آموزش بخشودگی بر گروه آزمایش انجام پذیرفت. پس از پایان آموزش بخشودگی، مجدداً همان پرسشنامه در هر دو گروه اجرا شد. برای تحلیل داده‌ها نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ و آزمون تحلیل کوواریانس تک‌متغیره و چندمتغیره به کار رفت. همچنین سطح معناداری ۰/۰۱ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که بین دو گروه آزمایش و گواه در نمره شادکامی و نگرش به زندگی، تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین صورت که کاربرد آموزش بخشودگی، میزان شادکامی را افزایش داده است. همچنین گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه دارای نگرش بهتری به زندگی بوده است ($p < 0/001$).

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های این پژوهش از آموزش بخشودگی می‌توان برای ارتقای شادکامی و نگرش به زندگی نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست استفاده کرد.

کلیدواژه‌ها: بخشش، شادکامی، نگرش به زندگی، نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست.

در جوامع امروزی با افزایش آمار طلاق، فقر، اعتیاد، تصادفات و... که از پیامدهای صنعتی شدن جوامع بشری هستند، بروز پدیده بی‌سرپرستی و بدسرپرستی و تعداد کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست به‌طور درخور توجهی افزایش یافته است (۱). نوجوانان بدسرپرست افرادی هستند که دارای سرپرست بوده، اما به دلایلی از جمله فقدان یکی از والدین، بیماری یا ازکارافتادگی یکی از والدین، اعتیاد، بیماری‌های خاص جسمانی و ذهنی و رفتاری والدین یا وضعیت اقتصادی ضعیف خانواده امکان نگهداری و حمایت مناسب از آن‌ها وجود ندارد (۲). نوجوانان بدسرپرست علاوه بر مشکلات خاص نوجوانی با مسائل ناشی از فقدان خانواده مواجه‌اند و مشکلات مضاعفی در مقایسه با سایر نوجوانان دارند. زندگی دور از خانواده و محدود بودن تعاملات خانوادگی در بلندمدت این‌گونه کودکان را در خطر مشکلات و بحران‌های هویتی، ارتباطی، فردی و اجتماعی، کاهش شادزبستی، احساس ناخشنودی قرار می‌دهد (۳). شادکامی، مفهومی سلسله‌مراتبی و چندبعدی است و از اجزای شناختی و عاطفی-هیجانی و اجتماعی تشکیل می‌شود (۴). در مجموع در تحلیل مفهوم شادی نظریه‌پردازان عمدتاً به دو مؤلفه شناختی و هیجانی اشاره داشته‌اند؛ مؤلفه‌های شناختی بیشتر بر رضایت از زندگی و مؤلفه‌های هیجانی بیشتر بر حالاتی نظیر خندیدن و شوخ‌طبعی و همچنین تعادل بین هیجان‌های مثبت و منفی دلالت دارد. هیجان‌های مثبت مانند خنده و شادی و هیجان‌های منفی مانند گریه و ناراحت شدن و... است (۵). در همین راستا مطالعه موسیسی و همکاران نشان داد که دانش‌آموزان بی‌سرپرست اختلال عاطفی و رفتاری بیشتری در مقایسه با گروه دارای سرپرست دارند و این گروه در مقایسه با سایر گروه‌ها دارای سلامت جسمی و روانی و عاطفی کمتری است. این مطالعات نشان می‌دهد که دانش‌آموزان بی‌سرپرست یا بدسرپرست میزان شادکامی کمتری داشته و نیازمند توجه بیشتری هستند (۶).

از طرفی باورها و اعتقادات هر فرد و نوع برداشتش از زندگی و وقایع آن است که او را به سمت وسوی خوشبختی و شادمانی یا بدبختی می‌برد (۷). نگرش به زندگی به‌صورت اعتقاد فرد به اینکه افراد در زندگی دارای چهارچوب هدف‌مندی هستند که به زندگی آن‌ها معنا و ارزش داده، تعریف شده است (۸). نگرش به زندگی (معنای زندگی)، مفهومی وسیع بوده که برگرفته از سیستم شناختی فرد است. همچنین نوع نگرش به زندگی روی انتخاب‌ها و فعالیت‌ها و اهداف فرد تأثیر می‌گذارد و موجب برخورداری او از زندگی هدف‌مندی همراه با احساس قدرت و حس تکامل می‌شود (۹). مطالعه قدرتی و همکاران نشان داد که شادکامی با هوش هیجانی و معنای زندگی و مؤلفه‌های آن‌ها رابطه مثبت و معناداری دارد (۱۰). همچنین پژوهش کاک و همکاران در جوانان مالزیایی مشخص کرد که بین هدف‌مندی و معنای زندگی (نگرش به زندگی) با شادی رابطه معناداری وجود دارد (۱۱).

بنابراین با توجه به اهمیت شادی و نقش مهم نگرش به زندگی در ارتقای شادمانی، بررسی عوامل فراهم‌کننده زمینه ارتقای این دو عامل، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. یکی از شیوه‌های تأکیدشده به‌ویژه در روان‌شناسی مثبت‌نگر، بخشش‌درمانی است (۱۲). رای و پارگامنت

بخشش را به‌عنوان رهاکردن عاطفه منفی (نظیر دشمنی) و شناخت‌های منفی (نظیر افکار مربوط به انتقام) و رفتار منفی (نظیر پرخاشگری کلامی) در پاسخ به بی‌عدالتی ادراک‌شده، تعریف می‌کنند (۱۳)؛ همچنین ممکن است شامل واکنش مثبت در برابر خطاکار باشد. بخشش‌درمانی مداخله‌ای است که در آن رویکردی ساختاریافته و هدف‌مند برای قادر ساختن مراجع به‌منظور بخشیدن یک‌اتفاق یا بی‌عدالتی رنج‌آور در گذشته، استفاده می‌شود (۱۴).

یکی از الگوهای درمانی بخشش، الگوی فرایندی انزایت می‌باشد که حمایت پژوهشی نیرومندی کسب کرده و بارها و بارها آزمون شده است (۱۵). انزایت و گروه مطالعه رشد انسان، مدلی را پیشرفت و توسعه دادند که متشکل از بیست واحد در قالب چهار مرحله است: مرحله اول آشکارسازی نام دارد. در این مرحله شرکت‌کنندگان در معرض مطالبی قرار می‌گیرند که آگاهی آن‌ها را از عوامل روان‌شناختی که ممکن است قربانی را از حرکت در مسیر بهبودی بازدارد، افزایش می‌دهد. همچنین شرکت‌کنندگان با مطالبی مواجه می‌شوند که ممکن است جهان‌بینی آن‌ها را درباره فرد خطاکار و آینده خویش و دیدگاه‌های وجودی اصلاح کند؛ مرحله دوم تصمیم‌گیری نام‌گذاری شده است و شرکت‌کنندگان تشویق می‌شوند تا بخشش را به‌عنوان پاسخی فعال به رنجش خویش در نظر گرفته و به آن متعهد شوند؛ در مرحله عمل که مرحله سوم این الگو است شرکت‌کنندگان تشویق می‌شوند تا رنجش را بازتعریف کرده و با فرد خطاکار همدلی نموده و شروع به پذیرش رنج کنند؛ در آخر، در مرحله چهارم که نتیجه یا عمق‌بخشی نام دارد، شرکت‌کنندگان تشویق می‌شوند تا به یافتن معنا و حمایت اجتماعی و هدف زندگی بپردازند (۱۵).

نتایج پژوهش‌های مختلف بیانگر اثربخشی بخشش‌درمانی در کاهش مشکلات روان‌شناختی است؛ به‌طور مثال قمری گیوی و همکاران در پژوهش خود دریافتند که به‌کارگیری بخشش‌درمانی، به‌طور مستقل یا در کنار سایر روش‌های درمانی، عمدتاً می‌تواند شاخص‌های مربوط به بهداشت روانی را افزایش دهد و به بهزیستی افراد در حوزه‌های مختلف زندگی بینجامد (۱۶). نتایج پژوهش ابراهیمی و نوایی‌نژاد نشان داد که مشاوره گروهی مبتنی بر بخشش و امید بر کاهش اضطراب عمومی مؤثر بوده است (۱۷). پژوهش شیرین‌کار و همکاران مشخص کرد که درمان گروهی مبتنی بر بخشش بر کاهش علائم افسردگی و نشخوار فکری زنان مبتلا به افسرده‌خویی تأثیر دارد (۱۸). نتایج مطالعه صفارا و بخشی‌زاده نشان داد که آموزش بخشودگی بر بهزیستی روان‌شناختی و شادکامی مادران دانش‌آموزان دارای اختلال خاص یادگیری مؤثر است (۱۹). براساس نتایج فراتحلیل اختر مشخص شد که مداخلات بخشش به‌صورت معناداری در کاهش میزان افسردگی، خشم، خصومت، استرس و پریشانی نوجوانان و جوانان اثربخش بوده و همچنین توانسته است سطح عواطف مثبت را ارتقا دهد (۲۰). در مجموع بررسی انتقادی متون پژوهشی در زمینه مداخلات بخشش روشن می‌سازد که بیشتر مداخلات انجام‌شده در این رابطه روی بزرگسالان یا دانشجویان دانشگاه در محیط‌های بالینی و دانشگاهی صورت گرفته و کمتر پژوهشی در زمینه نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست اتفاق افتاده است. ازسوی دیگر در ارتباط با متغیرهای مذکور

در جامعه هدف تا آنجا که محقق بررسی کرده، پژوهش یا مطالعه‌ای به صورت مستقل انجام نشده است؛ لذا با توجه به خلأ پژوهشی در این زمینه و اهمیت متغیرهای مذکور پژوهش در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد؛ از این رو مطالعه حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش بخشودگی بر شادکامی و نگرش به زندگی نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست انجام شد.

۲ روش بررسی

پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری را تمامی دختران بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۲ تا ۱۸ ساله تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر ملارد در شش ماه دوم سال ۱۳۹۷ تشکیل دادند؛ از بین آن‌ها تعداد ۳۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده و به صورت تصادفی ساده در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گواه (۱۵ نفر) قرار گرفتند. در طرح‌های آزمایشی ۳۰ نفر نمونه توصیه شده است (۲۱). ملاک‌های ورود عبارت بود از: ۱. نداشتن پرونده بیماری‌های روان‌پزشکی و تشخیص سایر اختلالات و سابقه بستری در بیمارستان‌های روانی؛ ۲. تمایل و رغبت برای شرکت در پژوهش. همچنین ملاک‌های خروج بدین صورت بود: ۱. غیبت بیش از دو جلسه؛ ۲. شرکت هم‌زمان در دیگر برنامه‌های روان‌درمانی؛ ۳. انجام ندادن تکالیف. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه‌های زیر بود.

– پرسشنامه شادکامی آکسفورد^۱: پرسشنامه ۲۹ سؤالی شادمانی آکسفورد توسط هیل و آرگایل در سال ۲۰۰۲ تهیه شد (۲۲). نمره هر سؤال بین صفر (همیشه) و سه (اصلاً) است؛ بدین ترتیب که هر

پاسخ‌گو می‌تواند حداکثر نمره ۸۷ و حداقل نمره صفر را به دست آورد. هیل و آرگایل پایایی آزمون را با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۰ عنوان کردند (۲۲). در ایران نیز علی‌پور و نوربالا با نظرخواهی از ده متخصص، روایی صوری مطلوبی را برای این ابزار گزارش دادند. همچنین در پژوهشی که روی دانشجویان دانشگاه‌های تهران انجام شد، پایایی بازآزمایی ۰/۷۹ را پس از سه هفته و پایایی تصنیفی ۰/۹۲ را به دست آوردند (۲۳). در پژوهش حاضر پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ بود.

– پرسشنامه نگرش به زندگی: شاخص نگرش به زندگی توسط باتیستا و آلموند در سال ۱۹۷۳ طراحی شد (۲۴). این آزمون ۲۸ سؤالی دارای دو زیرمقیاس است: ۱. مقیاس چارچوب که بیانگر ادراک فرد از ساختار و فلسفه زندگی و همچنین رویکرد او برای استنباط معنا در زندگی است؛ ۲. مقیاس تکمیل که به معنای ادراک فرد از زندگی بر اساس چارچوب انتخابی‌اش است. هر یک از زیرمقیاس‌ها شامل چهارده عبارت بوده که از این تعداد هفت عبارت به صورت مثبت و هفت عبارت دیگر به صورت منفی بیان شده‌اند. از مجموع نمرات مثبت هر دو زیرمقیاس، نمره نگرش کلی فرد به زندگی به دست می‌آید. در این عبارات به گزینه‌های موافقم سه امتیاز و نظری ندارم دو امتیاز و مخالفم یک امتیاز تعلق می‌گیرد (۲۴). باتیستا و آلموند پایایی بازآزمایی برای شاخص نگرش نسبت به زندگی را ۰/۹۴ گزارش کردند (۲۴). خیاط‌فراهانی نیز در پژوهشی پرسشنامه نگرش به زندگی را در ایران هنجاریابی کرد. ضریب اعتبار آزمون ۰/۸۵ به دست آمد (۲۵). در پژوهش حاضر پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ محاسبه شد.

جدول ۱. شرح مختصر پروتکل درمان بخشش

جلسه	عنوان	فعالیت
اول	مرور شناختی	رنجش، تفکر درباره رنجش به منظور بر ملا سازی دو مقایسه نقش مراجع و فرد رنجاننده.
دوم	تصمیم به گذشت کردن	در نظر گرفتن بخشش به عنوان گزینه و حق انتخاب، تشویق به متعهد شدن به بخشش.
سوم	نگریستن با نگاهی نو	ارائه مفهوم باز تعبیر برای ادراک تازه رنجش فرد رنجاننده و دیدن وی به صورت بخشی از تصویری پیچیده‌تر و درک آسیب‌پذیری‌های وی؛ تلطیف درون همدلی‌کنندگان از طریق درک رنج فرد خاطی و تغییر دادن هیجانات منفی در جهت مثبت و ایجاد احساسات و افکار و رفتارهای مثبت از طریق تصویرپردازی هدایت‌شونده.
چهارم	جذب کردن رنج و کاوش معنا	آموزش پذیرش رنجش جای متوقف‌سازی و بدخیم کردن رنجش؛ کاوش معنا و اهمیت درک سهم خویش دگرآزار و ادیت دیگران و دیدن تغییرات پس از رنجش از منظری مثبت.
پنجم	آشکار سازی شرم و احساس گناه و تصمیم بر طلب بخشش	آموزش پذیرش حقیقت نیازمند بودن مراجعان به بخشیده شدن در برهه‌ای از زمان؛ آموزش روش‌های طلب بخشش و عذرخواهی به مراجعان و نیز نحوه دریافت کردن بخشش.
ششم	بخشش و باورها و اصول بخشش	یادگیری اصول صحیح جلب بخشش دیگران و یاری‌رساندن به مراجعان در درک معانی کلیدی، دریافت بخشش و فرق گذاشتن بین آن و باورهای غلط مرسوم درباره معنای دریافت بخشش.
هفتم	پروراندن دریافت بخشش	پروراندن دریافت بخشش و آموزش نگرش قدرشناسی و اشتیاق به فدا کردن مقداری از عزت نفس (فروتی کردن) هنگام ارائه بخشش به او در خود.
هشتم	کشف معنا در طلب و پذیرفتن بخشش	کمک به مراجعان در معنیافتن درد تجربه کردن خطا کاری در حق دیگری و مواجه شدن با جایز الخطا بودن انسان‌ها.

در این پژوهش، پرسشنامه‌ها بین دو گروه توزیع شد (پیش‌آزمون). به صورت گروهی تحت آموزش قرار گرفتند. در گروه آزمایش، آموزش بخشودگی بر مبنای پروتکل درمانی بخشش از سوی پارک که بر اساس

¹. The Oxford Happiness Questionnaire

متغیرها آزمون لوین و نیز آزمون تحلیل کوواریانس تک‌متغیره و چندمتغیره به‌کار رفت. سطح معناداری ۰/۰۱ در نظر گرفته شد.

۳ یافته‌ها

براساس نتایج، در گروه گواه هفت نفر (۴۶/۷ درصد) در دامنه سنی ۱۳ تا ۱۴ سال و سه نفر (۲۰ درصد) در دامنه سنی ۱۵ تا ۱۶ سال و پنج نفر (۳۳/۳ درصد) در دامنه سنی ۱۷ تا ۱۸ سال قرار داشتند؛ اما در گروه آزمایش پنج نفر (۳۳/۳ درصد) در دامنه سنی ۱۳ تا ۱۴ سال و چهار نفر (۲۶/۶۶ درصد) در دامنه سنی ۱۵ تا ۱۶ سال و شش نفر (۴۰ درصد) در دامنه سنی ۱۷ تا ۱۸ سال بودند.

پس از تأیید مفروضه همسانی ماتریس کوواریانس‌ها، برای همسانی شیب خط رگرسیون و همگنی واریانس متغیرهای وابسته در بین گروه‌ها به‌عنوان مفروضات آزمون تحلیل کوواریانس از آزمون تحلیل کوواریانس چندمتغیره و تک‌متغیره استفاده شد که در ادامه یافته‌های توصیفی به‌همراه نتایج آنالیز کوواریانس متغیرهای پژوهش در جدول ۲ گزارش شده است.

الگوی بخشش انزای تنظیم شده، انجام شد (۲۶). آموزش بخشش‌درمانی بر مبنای الگوی فرایندی انزای، مداخله‌ای است که در آن رویکردی ساختاریافته و هدف‌مند جهت قارساختن مراجع برای بخشیدن یک‌اتفاق یا بی‌عدالتی رنج‌آور در گذشته، استفاده می‌شود (۱۵). به گروه گواه آموزشی داده نشد. پس از پایان دوره در دو گروه سنجش مجدد (پس‌آزمون) انجام پذیرفت. شرح مختصر جلسات آموزشی در جدول ۱ ارائه شده است.

لازم به‌ذکر است که معیارهای اخلاقی در پژوهش دربرگیرنده رعایت و حفظ رازداری درقبال اطلاعات شرکت‌کنندگان، استفاده از داده‌ها تنها در راستای اهداف پژوهش، استفاده‌نکردن از اجبار برای مشارکت در پژوهش و اجرای بسته درمانی آموزشی برای گروه گواه پس از پایان پس‌آزمون بود. در این پژوهش جهت تجزیه‌وتحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ استفاده شد. همچنین متناسب با سطح سنجش داده‌ها و مفروضات آماری، برای نرمال‌بودن داده‌ها آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف و برای همگنی شیب-رگرسیون از طریق بررسی تعامل بین اثر پیش‌آزمون با اثر گروه و یکسانی واریانس

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش و مؤلفه‌های آن در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون به‌تفکیک دو گروه آزمایش و گواه به‌همراه نتایج آنالیز کوواریانس چندمتغیره

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		مقایسه پس‌آزمون		
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	مقدار p	مجذوراتا
		شادکامی	آزمایش گواه	۴۰/۲۳	۱۶/۷۶	۴۴/۲۳	۱۶/۶۵	۵۳/۶۸۷
چارچوب	آزمایش گواه	۱۵/۹۰	۲/۵۰	۱۸/۶۵	۲/۸۶	۶۳/۰۷۴	<۰/۰۰۱	۰/۲۴۹
تکمیلی	آزمایش گواه	۱۶/۸۶	۲/۷۵	۱۷/۸۶	۲/۹۶	۷۵/۳۲۸	<۰/۰۰۱	۰/۳۹۸
نمره کلی نگرش به زندگی	آزمایش گواه	۳۴/۴۵	۵/۳۴	۳۷/۵۷	۶/۸۵	۸۸/۹۸۴	<۰/۰۰۱	۰/۱۳۶

اثر بخشی آموزش بخشودگی بر شادکامی و نگرش به زندگی نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست انجام شد. اولین یافته پژوهش نشان داد که آموزش بخشودگی مؤثر بوده و موجب افزایش شادکامی نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست شده است. نتیجه به‌دست‌آمده هم‌راستا با مطالعات پیشین در این زمینه است؛ به‌طور مثال نتایج مطالعه صفارا و بخشی‌زاده نشان داد که آموزش بخشودگی بر بهزیستی روان‌شناختی و شادکامی مادران دانش‌آموزان دارای اختلال خاص یادگیری مؤثر است (۱۸). مطالعه مینام و لاو (۲۷) مشخص کرد که بخشش‌درمانی با ایجاد احساسات صلح‌جویانه درقبال خود و دیگران سبب ارتقای بهزیستی روانی فرد می‌شود. همچنین قمری گیوی و همکاران در پژوهش خود دریافتند که به‌کارگیری بخشش‌درمانی، به‌طور مستقل یا در کنار سایر روش‌های درمانی، عمدتاً می‌تواند شاخص‌های مربوط به بهداشت روانی را افزایش دهد و به بهزیستی افراد در حوزه‌های مختلف زندگی بینجامد (۱۶). در تبیین یافته مذکور می‌توان گفت که

براساس نتایج آزمون تک‌متغیری آنالیز کوواریانس و باتوجه به بیشتر بودن میانگین نمرات گروه آزمایش در پس‌آزمون نمرات شادکامی، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش بخشودگی مؤثر بوده و موجب افزایش شادکامی نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست شده است ($p < 0.001$).

همچنین باتوجه به بیشتر بودن میانگین نمرات گروه آزمایش در مرحله پس‌آزمون نگرش به زندگی و مؤلفه‌های آن، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش بخشودگی مؤثر بوده و سبب افزایش نگرش به زندگی نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست شده است ($p < 0.001$).

۴ بحث

باتوجه به افزایش روزافزون کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست و مشاهده ناسازگاری‌ها و اختلالات هیجانی در آن‌ها، توجه خاص به این کودکان احساس می‌شود؛ از این‌رو مطالعه حاضر با هدف تعیین

از محدودیت‌های مهم‌تر، روش نمونه‌گیری در دسترس و انجام پژوهش بر نوجوانان دختر بی‌سرپرست و بدسرپرست و نداشتن مرحله پیگیری بود؛ لذا تعمیم نتایج باید با احتیاط صورت گیرد؛ از این رو پیشنهاد می‌شود که جهت تعمیم‌پذیری نتایج، پژوهش در گروه پسران و دیگر گروه‌های دانش‌آموزی به‌همراه مرحله پیگیری نتایج انجام شود. همچنین با توجه به نتایج پژوهش توصیه می‌شود به انجام آموزش بخشش درمانی روی دیگر مشکلات بهداشت روانی مانند اضطراب که به‌نوعی با خودگویی‌های منفی نیز در ارتباط بوده، پرداخته شود. در نهایت به پژوهشگران و درمانگران و خصوصاً مشاوران پیشنهاد می‌شود تا آموزش بخشش را با هدف پیشگیری از رفتارهای پرخطر، ارتقای شادی، نگرش مثبت و اشاعه فرهنگ گذشت و بخشش در برنامه‌های خود قرار دهند.

۵ نتیجه‌گیری

نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که بین دو گروه آزمایش و گواه در نمره شادکامی و نگرش به زندگی، تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین صورت که کاربرد آموزش بخشودگی، میزان شادکامی را افزایش داده است. همچنین گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه دارای نگرش بهتری به زندگی بوده است؛ از این رو نتیجه‌گیری می‌شود که از آموزش بخشودگی می‌توان برای ارتقای شادکامی و نگرش به زندگی نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست استفاده کرد.

۶ تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در این پژوهش ما را یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌شود.

۷ بیانیه

هیچ‌گونه تضاد منافی بین نویسندگان وجود ندارد و این پژوهش حاصل طرح پژوهشی مستقلی بوده که بدون حمایت مالی سازمان خاصی صورت گرفته است؛ همچنین مجوز اجرای آن با شماره ۹۸/۲۰۱ از سازمان بهزیستی ملارد و مرکز مشاوره‌النا صادر شده است.

بخشش درمانی به افراد کمک می‌کند تا با آزادکردن خشم به‌شیوه‌ای سازنده، دیدن حادثه رنجش از دید فرد خاطی، بررسی دلایل وقوع رنجش، ارزیابی سهم خود در وقوع رنجش، بررسی وقایعی که در آن‌ها خودشان موجبات رنجش دیگران را به بار آوردند، یافتن معنا در رنجش، ایجاد عادت بخشیدن و طلب بخشش، تغییرات هیجانی و شناختی و رفتاری را در خود به‌وجود آورده و بر نابخشش از طریق موهبت‌گونه بخشش پاسخ دهند (۲۵)؛ همچنین موجب ایجاد مجموعه‌ای از تغییرات انگیزشی در فرد آسیب‌دیده می‌شود که طی آن انگیزه‌های انتقام‌جویی در آن شخص در مقابل آسیب‌رسان کم شده و فرد مانند گذشته خواهان آسیب‌رسانی نیست و فرد آسیب‌دیده روانی آرزوی خوشی و حسن‌نیت و انگیزش خود را برای مصالحه با آسیب‌رسان افزایش می‌دهد (۲۸)؛ لذا کسی که بخشش بیشتری در برابر خود و دیگران دارد، از شادی بیشتری برخوردار است.

دیگر یافته پژوهش نشان داد که آموزش بخشودگی موجب افزایش نگرش مثبت به زندگی نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست شده است. یافته مذکور با نتایج پژوهش زارع و امینی (۲۹) که دریافتند بخشش به‌صورت مستقیم با رضایت از زندگی رابطه دارد و فرد با بخشیدن خطاهای خود و دیگری، احساس رضایت از زندگی را برای خود به ارمغان آورده، همسوست. در به‌دست‌آوردن چنین نتیجه‌ای می‌توان گفت که بخشش درمانی موجب کاهش افکار و نگرش‌های منفی و ناخوشایند در فرد می‌شود؛ به‌طور مثال اگر فرد در حادثه‌ای، نگرش و توجه مثبت داشته باشد، به احساس مثبت درباره موقعیت پیش‌آمده کمک می‌کند؛ لذا می‌توان بیان کرد افرادی که در مقابل طرف مقابل نگرش‌های بهتری دارند، گذشت بیشتری را در روابط خود نشان می‌دهند. آنان در هنگام بروز آسیب از سوی افراد دیگر، رفتار آن‌ها را غیرعمدی و غیرخودخواهانه و بدون تقصیر جلوه می‌دهند؛ بدین ترتیب نگرش مثبت و سازنده‌تری را اعمال می‌کنند که در نهایت منجر به پیشبرد گذشت در روابط می‌شود و زمینه تغییر نگرش‌های منفی و ایجاد نگرش‌های مثبت را در فرد فراهم می‌سازد (۱۳). همچنین می‌توان گفت، بخشش باعث می‌شود فرد قربانی که نابخشودگی را تجربه می‌کند به منبع استرس روی آورد و به‌واسطه جایگزینی احساسات و افکار و رفتارهای منفی با اشکال مثبت آن، وضعیت را در جهت مثبت تغییر دهد و تغییر مثبت همان تغییر را در نگرش فرد شامل می‌شود.

References

1. Okorodudu GN. Influence of parenting styles on adolescent delinquency in delta central senatorial district. Edo Journal of Counselling. 2010;3(1):58–86. doi: [10.4314/ejc.v3i1.52682](https://doi.org/10.4314/ejc.v3i1.52682)
2. Mirdrikvand F, Ghadampour E, Kavarizadeh M. The effect of life skills training on psychological capital and adaptability of adolescent girls with irresponsible parents. Quarterly Journal of Social Work. 2016;5(3):23–30. [Persian] <http://socialworkmag.ir/article-1-172-en.pdf>
3. Ramezani S, Mohammadi N, Alizadeh Chhar Borjh T, Rahmani S. The effectiveness of resilient education on the coping style and optimism of unprotected and neglected children. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2018;4(4):46–58. [Persian] <http://childmentalhealth.ir/article-1-200-en.pdf>
4. Bagheri N, Ahadi H, Lotfi Kashani F. Relationship between happiness and coping styles, family environment. Journal of Psychological Researches. 2011;2(8):21–33. [Persian]

5. Bordbar M, Mazidi Sharaf Abadi M. Prediction of cognitive and emotional components of happiness based on daily spiritual experiences. *Ravanshenasi va Din*. 2015;29:25–40. [Persian] http://ravanshenasi.nashriyat.ir/sites/ravanshenasi.nashriyat.ir/files/2_7.pdf
6. Musisi S, Kinyanda E, Nakasujja N, Nakigudde J. A comparison of the behavioral and emotional disorders of primary school-going orphans and non-orphans in Uganda. *Afr Health Sci*. 2007;7(4):202–13.
7. Chu C-N. *Do Less, Achieve More*. New York London: HarperCollins World; 2001.
8. Mankar MJ, Joshi SM, Velankar DH, Mhatre RK, Nalgundwar AN. A Comparative Study of the Quality of Life, Knowledge, Attitude and Belief About Leprosy Disease Among Leprosy Patients and Community Members in Shantivan Leprosy Rehabilitation centre, Nere, Maharashtra, India. *J Glob Infect Dis*. 2011;3(4):378–82. doi: [10.4103/0974-777X.91063](https://doi.org/10.4103/0974-777X.91063)
9. Erci B. Meaning in life for patients with cancer: validation of the Life Attitude Profile-Revised Scale. *J Adv Nurs*. 2008;62(6):704–11. doi: [10.1111/j.1365-2648.2008.04658.x](https://doi.org/10.1111/j.1365-2648.2008.04658.x)
10. Ghodrati N, Ghodrati A, Ghanaati M. Relationship between life meaning and emotional intelligence with happiness of nursing students. *Beyhagh*. 2017;22(2):8–15. [Persian] http://beyhagh.medsab.ac.ir/article_974_696996f089922d1ce53bea6a069d9dcf.pdf
11. Kok JK, Goh LY, Gan CC. Meaningful life and happiness: perspective from Malaysian youth. *The Social Science Journal*. 2015;52(1):69–77. doi: [10.1016/j.soscj.2014.10.002](https://doi.org/10.1016/j.soscj.2014.10.002)
12. Askari M, Bajelan L. The effectiveness of forgiveness therapy program on marital conflicts and life quality. *Journal of Counseling Research*. 2014;13(50):118–39. [Persian] <http://iran-counseling.ir/journal/article-1-97-en.pdf>
13. Rye MS, Pargament KI. Forgiveness and romantic relationships in college: can it heal the wounded heart? *J Clin Psychol*. 2002;58(4):419–41. doi: [10.1002/jclp.1153](https://doi.org/10.1002/jclp.1153)
14. Lavafpour Nouri L, Zahrakar K, Azadhoush Fatideh Z. Effectiveness of a process-based forgiveness intervention in reducing revenge and avoidance motivations among middle school male students. *Journal of School Psychology*. 2014;3(2):170–85. [Persian] http://jisp.uma.ac.ir/article_209_c3efc35777ed1988e17274eb7628bc37.pdf
15. Enright RD. *Forgiveness Is a Choice: A Step-By-Step Process for Resolving Anger and Restoring Hope*. 1st ed. Washington, DC: American Psychological Association; 2001.
16. Ghamari Givi H, Mohebbi Z, Sadeghi M. Efficacy of forgiveness therapy in reducing aggression and promoting forgiveness in male juvenile in Tehran correctional and rehabilitation Centre. *J Mazandaran Uni Med Sci*. 2014;24(114):163–8. [Persian] <http://jmums.mazums.ac.ir/article-1-3941-en.pdf>
17. Ebrahimi E, Navabinejad Sh. Hope-focused and forgiveness-based group counseling to reduce general anxiety among Tehrani high school girls. *Quarterly Journal of Family and Research*. 2013;10(3):55–76. [Persian] <http://qjfr.ir/article-1-105-en.pdf>
18. Shirinkar Z, Namdari K, Jamilian HR, Abedi A. Effect of Forgiveness Group Therapy on the Symptoms of Depression and Rumination of Dysthymic Women. *Clinical Psychology Studies*. 2016;6(22):1–20. [Persian] doi: [10.22054/jcps.2016.3892](https://doi.org/10.22054/jcps.2016.3892)
19. Safara M, Bakhshizade M. Effectiveness of forgiveness psychological well-being and happiness of mother with children specific learning disorder in Tabas. *Psychology of Exceptional Individuals*. 2018;7(28):187–208. [Persian] [10.22054/jpe.2018.24899.1627](https://doi.org/10.22054/jpe.2018.24899.1627)
20. Akhtar S, Barlow J. Forgiveness Therapy for the Promotion of Mental Well-Being: A Systematic Review and Meta-Analysis. *Trauma, Violence, & Abuse*. 2018;19(1):107–22. doi: [10.1177/1524838016637079](https://doi.org/10.1177/1524838016637079)
21. Delavar A. *Educational and psychological Research*. Tehran: Virayesh Publication; 2015. [Persian]
22. Hills P, Argyle M. The Oxford Happiness Questionnaire: a compact scale for the measurement of psychological well-being. *Personality and Individual Differences*. 2002;33(7):1073–82. doi: [10.1016/S0191-8869\(01\)00213-6](https://doi.org/10.1016/S0191-8869(01)00213-6)
23. Alipoor A, Noorbala AA. A preliminary evaluation of the validity and reliability of the oxford happiness questionnaire in students in the universities of Tehran. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*. 1999;5(1):55–66. [Persian] <http://ijpcp.iuums.ac.ir/article-1-1777-en.pdf>
24. Battista J, Almond R. The development of meaning in life. *Psychiatry*. 1973;36(4):409–27. doi: [10.1080/00332747.1973.11023774](https://doi.org/10.1080/00332747.1973.11023774)
25. Khayat Farahani A. Validation questionnaire attitude of life and the relationship with questionnaire of self-esteem. *Journal of Psychological Researches*. 2011;3(10):45–54. [Persian]
26. Park J. *Validating the effectiveness of a forgiveness intervention program for adolescent female aggressive victims in Korea [PhD dissertation]*. ProQuest Information & Learning; 2003.
27. Menahem S, Love M. Forgiveness in psychotherapy: the key to healing. *J Clin Psychol*. 2013;69(8):829–35. doi: [10.1002/jclp.22018](https://doi.org/10.1002/jclp.22018)
28. McCullough ME, Fincham FD, Tsang J-A. Forgiveness, forbearance, and time: the temporal unfolding of transgression-related interpersonal motivations. *J Pers Soc Psychol*. 2003;84(3):540–57. doi: [10.1037/0022-3514.84.3.540](https://doi.org/10.1037/0022-3514.84.3.540)

29. Zare H, Amini F. The study of structural relationship among forgiveness, life satisfaction, and general health in students. *Social Cognition*. 2016 ;5(1):148–61. [Persian]
http://sc.journals.pnu.ac.ir/article_2933_f1d4200abffc3c1ee64843490f0dd934.pdf